



توراه اور • پاراشاها ویצא • مامار 3

וללבן שתי בנות וגו'

و لابان دو دختر داشت



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/3](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/3)

1 وللبن شتي بنوت וגו'. הנה לאה ורחל הם אותיות המחשבה ואותיות הדבור. שהם עלמא דאתכסיא ועלמא דאתגליא (עיין לקמן בד"ה בכ"ה בכסליו בפ"י ושם ה' קטנה רחל)

«و لا بان (لبن) را دو دختر بود»، و غيره. اکنون، لیا (لاה) و راحیل (רחل)، حروف اندیشه و حروف گفتارند؛ همان عالم پنهان (علما دאתכסیا، alma de'iskasya) و عالم آشکار (علما دאתגلیا، alma de'isgalya). (بنگرید به بخش بعد، در مامار آغازشونده با «در بیست و پنجم کیسلو»، در توضیح «و نام کوچکتر (הקטנה، haketanah) راحیل بود»، که [باید چنین] خوانده شود: هاء کوچک (ה' קטנה، hei ketanah): راحیل).

וזהו ענין בארצות החיים. ב' ארצות. שבזמן שבהמ"ק [שבית המקדש] היה קיים היו שני הבחינות מאירים בא"י [בארץ ישראל].

این است معنای «در سرزمین‌های زندگان»: دو سرزمین. زیرا هنگامی که بیت‌همیقداش برپا بود، هر دو مرتبه در سرزمین اسرائیل می‌درخشیدند.

והעיקר היה בחי' רחל (שנקראת עקרת הבית) כי המחשבה מתלבשת בתוך הדבור והדבור היה מתגלה. و مرتبة اصلی، مرتبة راحیل بود (که «ستون اصلی خانه» (عقרת הבית، akereš habayis) خوانده می‌شود)، زیرا اندیشه در گفتار متلبس می‌شود و گفتار آشکار بود.

ولפי שרחל שהוא בחי' הדבור הוא עלמא דאתגליא לכך היה אז בא"י [בארץ ישראל] גילוי אלקותו ית' שהיו חכמים גדולים בעלי רוח"ק [רוח הקודש] ונביאים (וכמו שפרש"י [שפירש רש"י / שפירוש רש"י] גבי יונה ויחזקאל שאין הנבואה שורה אלא בא"י [בארץ ישראל])

و چون راحیل، که مرتبة گفتار است، عالم آشکار است، در آن زمان در سرزمین اسرائیل تجلی الوهیت او، متبارک باد، وجود داشت: حکیمان بزرگی بودند که از روح قدس (روح הקודש، ruach hakodesh) برخوردار بودند، و نیز پیامبرانی بودند (چنان‌که راشی (رש"י) درباره یونا (יונה) و یحزقیل (יחזקאל) توضیح می‌دهد که نبوت تنها در سرزمین اسرائیل قرار می‌گیرد).

ובפרט בהמ"ק [בית המקדש] והשראת השכינה בקה"ק [בקדש הקדשים] ואורים ותומים ועבודת הקרבנות שהי' [שהיה] יורד אש שלמעלה. משא"כ אחר חורבן בהמ"ק [בית המקדש] שגלו ישראל וגלתה עמהם השכינה.

و به‌ویژه [چنین بود در] بیت‌همیقداش، و سکونت شخینا در قدس‌الاقداص، و اوریم و تومیم (اورים ותומים، Urim v'Tumim؛ ابزارهایی که کاهن اعظم از طریق آن‌ها پاسخ می‌گرفت)، و خدمت قربانی‌ها، که در آن آتشی از بالا فرود می‌آمد. اما پس از ویرانی بیت‌همیقداش چنین نیست؛ اسرائیل به تبعید رفت و شخینا نیز همراه آنان به تبعید رفت.

שהיא בחי' רחל שהיא בבחי' גלות בעי' [בשבועים] שרי' ואינה מאירה כלל מערך הגלוי שהיתה מאירה בזמן הבית שהי' [שהיה] הדבור מתגלה משא"כ עכשיו כתיב כרחל לפני גוזזי' נאלמה.

[שחינה] همان مرتبهٔ راحیل است که در میان هفتاد شاهزاده در حالت تبعید قرار دارد و در قیاس با تجلی‌ای که در زمان بیت‌همیقداش از آن می‌درخشید، هیچ نمی‌درخشد؛ آن زمان گفتار آشکار بود، اما اکنون نوشته شده است: «چون میشی پیش پشم‌چینانش، خاموش است.»

והעבודה היא בדרך בירורים כו' (וכמ"ש ע"פ במדבר סיני) ומ"מ נשאר מאיר בא"י [בארץ ישראל] בחי' לאה והיא מדרגה יותר גבוה מבחי' רחל וכמשל המחשבה שהיא רוחניות ונעלית מן הדבור

و خدمت الهی از راه پالایش‌ها (بیرורים, beirurim) است، و غیره. (چنان‌که در توضیح «در بیابان سینا» آمده است.)
 باین‌همه، مرتبهٔ لیا در سرزمین اسرائیل همچنان می‌درخشد، و او مرتبه‌ای بالاتر از مرتبهٔ راحیل است؛ مانند اندیشه که روحانی است و از گفتار والاتر.

(שהיא אינה בגלות כי רחל נק' מ"ם פתוחה שיש ממנה פתח ומבוא ליניקת החיצונים בזמן הגלות משא"כ מבחי' מ"ם סתומה. ושם הוא שרש לאה עיין בזהר ר"פ תרומה דף קכ"ו ב' ודף קכ"ז)

(زیرا او در تبعید نیست: راحیل «میم گشوده» (م"ם فتوحه, mem pesuchah) نامیده می‌شود، زیرا از آن راهی و مدخلی برای نیروهای بیرونی هست تا در دوران تبعید از آن تغذیه کنند؛ اما در مرتبهٔ «میم بسته» (م"ם סתומה, mem setumah) چنین نیست. ریشهٔ لیا آن‌جاست. بنگرید به زوها، آغاز پارتِ تروما، صفحهٔ 126b و صفحهٔ 127.)

אך לפי שהוא עלמא דאתכסיא והעלם לכך אין הגילוי אלקות עכשיו בא"י [בארץ ישראל] מערך הגילוי שהי' [שהיה] בזמן בהמ"ק [בית המקדש] קיים.

اما چون آن عالم پنهان و پوشیدگی است، از این‌رو تجلی الوهیت اکنون در سرزمین اسرائیل با تجلی‌ای که در زمان برپایی معبد مقدس بود قابل قیاس نیست.

ומ"מ הצדיקים הגדולים אשר בארץ יכולים להשיג עכשיו בא"י [בארץ ישראל] השגות עליונות יותר אפי' [אפילו] ממה שהשיגו צדיקים כמותם בזמן הבית (מאחר שההשגה היא בבחי' מחשבה עליונה כמו שהיא עדיין למעלה מהתלבשות בעולם הדבור)

باین‌حال، صالحان بزرگ (צדיקים, tzaddikim) که در سرزمین هستند، اکنون می‌توانند در سرزمین اسرائیل دریافت‌هایی برتر از آنچه صالحان هم‌پایهٔ آنان در زمان معبد دریافت می‌کردند، به دست آورند؛ زیرا این دریافت در مرتبهٔ اندیشهٔ اعلی است، آن‌گونه که هنوز فراتر از پوشیده‌شدنش در عالم گفتار قرار دارد.

וכמו האר"י [האלקי רבי יצחק] **ז"ל** [זכרונו לברכה / זכרונו לברכה] **שהשיג השגות עצומות מה שלא השיגו צדיקים גדולים בדורות הקדמונים.**

چنین بود حال آریزال (הاریז"ل) که به دریافت‌هایی عظیم دست یافت که صالحان بزرگ نسل‌های پیشین به آن‌ها دست نیافته بودند.

ולהבין מ"ש כי שנראה לאה כו'. הרי יעקב השיג ודאי בעלמ' [בעלמא] דאתכסי'.

اما برای فهم آنچه نوشته شده است، «لیا منفور بود» و غیره: بالاین همه، یعقوب (יעקב) بی‌گمان عالم پنهان را درک می‌کرد!

אך הענין כי יעקב נק' בריח התיכון המברית מן הקצה אל הקצה. פי' שהוא הממשיך אור א"ס ב"ה מן הקצה עליונה (היינו הקו הבוקע החלל כמ"ש במ"א) מבחי' כתר למטה ולכן נאמר בו תוספת וי"ו ואלקי יעקב.

اما توضیح این است که یعقوب «میلۀ میانی» نامیده می‌شود؛ میله‌ای که از یک سر تا سر دیگر امتداد می‌یابد. یعنی او کسی است که نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) – که متبارک باد – را از سر بالایی، یعنی خط نور (קו, kav) که فضای خالی‌شده را می‌شکافد، چنان‌که در جای دیگری شرح داده شده است، از مرتبۀ تاج (כתר, Keser) به پایین امتداد می‌دهد؛ و ازاین‌رو، حرف واو افزوده‌ای درباره‌ی او آمده است: «و **אלקים** یعقوب».

וכן והנורא שמייחד ומחבר חו"ג [חסד וגבורה] ע"י המשכת והארת האין והיינו ע"י בחי' בטול. וכל ההמשכו' שלו הוא עד הקצה התחתונה. דהיינו בבחי' מלכות עלמא דאתגלייא.

همچنین «و مهيب»، زیرا او مهر (חסد, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) را از طریق امتداد و تابش نیستی (آین, Ayin) [نیستی]، یعنی از طریق مرتبۀ خودنفی‌گری (بیטول, bittul)، به هم پیوند می‌دهد. و همه‌ی امتدادهای او تا سر پایینی می‌رسد؛ یعنی به مرتبۀ فرمانروایی (ملכות, Malchus)، عالم آشکار.

וזהו ויאהב (יעקב) גם את רחל מלאה שכל תשוקתו היה להיות גילוי אור א"ס ב"ה למטה בעלמא דאתגלייא שע"ז יוכלו הכל לקבל משא"כ מבחי' עלמא דאתכסייא כו'

این [معنای] «و یعقوب راحیل را نیز بیش از لیا دوست داشت» است: تمام اشتیاق او این بود که نور بی‌پایان در پایین، در عالم آشکار، تجلی یابد؛ زیرا از این راه همه می‌توانند دریافت کنند، برخلاف مرتبۀ عالم پنهان و غیره.

ולכן כתיב וישק יעקב לרחל על דרך شنקוד על וישקהו

و ازاین‌رو نوشته شده است: «و یعقوب راحیل را بوسید»، به‌شیوۀ [آنچه درباره‌ی] واژه نقطه‌گذاری‌شده «و او را بوسید» آمده است:

دهیئو שבחי' חב"ד [חכמה בינה ודעת] **שהוא זיווג נשיקין ואתדבקו' רוחא ברוחא עד"מ הנשיקין שבאין מפנימית האהבה (עמ"ש במ"א ע"פ ישקני מנשיקות וע"פ אמצאך בחוץ אשקך) וגם בחי' זו המשיך ברחל.**

یعنی مرتبة حکمت (חכמה, Chochmah), فهم (בינה, Binah) و شناخت (דעת, Daas), که همان پیوند بوسه‌ها و پیوستن روح به روح است؛ مانند بوسه‌هایی که از بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) عشق سرچشمه می‌گیرند (بنگرید به آنچه در جای دیگر درباره «بگذار مرا با بوسه‌ها ببوسد» و درباره «تو را بیرون می‌یافتم و می‌بوسیدمت» توضیح داده شده است)؛ او این مرتبه را نیز به راحیل (רחל) فرود آورد.

וז"ש [וזהו שכתוב] אעבדך שבע שנים ברחל בתך הקטנה כי לבן הוא בחי' לובן העליון מקור החסדים שכולו רחמים פשוטים دلית שמאלא בהאי עתיקא

و این همان است که نوشته شده است: «هفت سال برای راحیل، دختر کوچک‌ترت، خدمتت خواهم کرد.» زیرا لابان (لبן) مرتبة سفیدی برین (لובن, loven), خاستگاه مهرها (חסדים, chasadim) است؛ سفیدی‌ای که سراسر رحمت محض است، زیرا «در عתיקא (Atika) [کهن سال] هیچ جانب چپی نیست»؛

רק שלמטה نشפל בלבן גשמי ומ"מ کתיב כלו הפך לבן טהור הוא אפי' [אפیلן] הנגע כו' ועל לבן کתיב וישכם לבן בבקר שבכ"י [שבכל יום] מתגבר ونמשך اور החסד עליון.

تنها اینکه در پایین، به صورت لابانی جسمانی فرود آمد. با این همه، نوشته شده است: «تمامش سفید شده است؛ او پاک است»؛ حتی آن آفت و غیره. و درباره لابان نوشته شده است: «لابان بامدادان برخاست»، زیرا هر روز نور مهر برین (חסد, Chesed) نیرو می‌گیرد و به پایین فرود می‌آید.

2 وینשק לבניו ובנותיו שנמשך בכל פרצופי האצי' זכרים ונקבות. ואח"כ ולבן שב למקומו למעלה מעלה وיעקב הלך לדרכו להמשיך בחינת לובן העליון הנ"ל למטה مטה ברחل בתו הקטנה בחי' דבור כו'.

«و بر پسران و دخترانش بوسه زد»: [یعنی] آن به همه پیکره‌های (פרצופים, partzufim) عالم صدور (אצילות, Atzilus), هم مذکر و هم مؤنث، کشیده می‌شود. سپس «و لاوان (لبن) به جایگاه خود بازگشت»، به مرتبه‌ای هرچه بالاتر، و «يعقوب (יעקب) به راه خود رفت» تا مرتبة سییدی برین یادشده را پایین‌تر و پایین‌تر، در راحیل (רחل)، دختر کوچک‌ترش، یعنی مرتبة گفتار، و جز آن، فرود آورد.

ולכן היתה רחל עקרה כי ההולדה מבחי' הדבור הוא להיות הגילוי בבי"ע וא"א להיות הולדה וגילוי בבי"ע שהרי הנבראים הם נפרדים וא"א להתגלות להם בחי' לוכן העליון הנ"ל.

و ازاین‌رو راحیل نازا بود؛ زیرا زایش از مرتبهٔ گفتار یعنی آنکه در عوالم آفرینش (ברیאה, Beriah), صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عمل (עשיה, Asiyah) تجلی پدید آید. اما زایش و تجلی در عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل ناممکن است، زیرا آفریدگان موجوداتی جدا هستند و امکان ندارد مرتبهٔ سپیدی برین یادشده بر آنان آشکار شود.

(ומש"ל [ומה שכתוב לעיל] דרחל נקי' עלמא דאתגלייא מ"מ להיות הגילוי ע"ד בחי' לידה הוא קשה ביותר כו' ויש חילוק גדול בין שארי השפעות לבחי' לידה שהוא גילוי עליון יותר ועמ"ש בזוהר פ' פנחס דרמ"ט)

(و دربارهٔ آنچه پیش‌تر گفته شد که راحیل «جهان آشکار» نامیده می‌شود، بااین‌همه، آنکه تجلی به شیوهٔ مرتبهٔ زایش باشد بسیار دشوار است و جز آن. میان دیگر گونه‌های تأثیرگذاری و مرتبهٔ زایش تفاوتی بزرگ هست؛ زایش تجلی‌ای برتر است. بنگرید به آنچه در زوهار (זהר)، پاراشات پینחס، صفحهٔ 249 نوشته شده است.)

אבל לאה שהיא המחשבה ילדה ששה בנים שהם הספי' [הספירה / הספירות] שבאצי' עצמו ששם היה שרש השבטים ולכן נקי' שבטי יה.

اما لیا (لاה)، که اندیشه است، شش پسر زایید؛ آنان همان مراتبِ تجلی (ספירות, Sefiros) در خودِ عالم صدور بودند، زیرا ریشهٔ قبایل در همان‌جا بود؛ ازاین‌رو «قبایلِ יה» نامیده می‌شوند.

יהודה הפעם אודה בחי' בטול והודאה הרי הוא נמשך ומסתעף מן המחשבה דוקא.

یهودا (יהודה)، «این بار اقرار می‌کنم» (אודה, odeh), مرتبهٔ خودنفی‌گری (ביטול, bittul) و اقرار است؛ این مرتبه به‌ویژه از اندیشه کشیده می‌شود و از آن منشعب می‌گردد.

וכן ראובן ושמעון راיה ושמיעה הוא ג"כ למעלה מבחי' הדבור אלא מן המחשבה הן נמשכים כו' (כמ"ש במ"א ע"פ יהודה אתה כו')

همچنین روبین (ראובن) و شیمعون (שמعون)—دیدن و شنیدن—نیز فراتر از مرتبهٔ گفتارند؛ بلکه از اندیشه سرچشمه می‌گیرند و جز آن. (چنان‌که در جای دیگر، در توضیح «یهودا، تو...» آمده است.)

וגם לוי שהוא בחי' התקשרות כמ"ש הפעם ילوه כו' נמשך ونולד ג"כ מן המחשבה

و نیز لاوی (لוי)، که مرتبهٔ پیوند است—چنان‌که نوشته شده: «این بار [شوهرم] به من پیوسته خواهد شد» (ילوه, yilaveh) و جز آن—او نیز از اندیشه سرچشمه می‌گیرد و از آن زاده می‌شود،

כנראה בחוש במי שהוא בעל מחשבה שאינו מרגיש כלל בעסקים החולפים לפניו מחמת גודל התקשרות שיש לו בהמחשבה.

چنانکه بهروشنی در تجربه دیده می‌شود: کسی که در اندیشه غرق است، به سبب شدت پیوندش با آن اندیشه، اصلاً از کارهایی که پیش چشمش می‌گذرند آگاه نمی‌شود.

וכמ"ש במדרש בעובדא דר' [דרבין] חייא רבה. וכן גבי רבא (בפ' אר"ע [אמר רבי עקיבא]) דהוה מעיין בשמעתי' [בשמעתי] כו'.

و چنانکه در میدراش، در ماجرای رבי حیا ربه (رבי حייא רבה) نقل شده است؛ و نیز دربارهٔ ربا (רבא)، در فصلی «رבי عقیوا گفت»، که سرگرم ژرف‌اندیشی در درس خود بود و جز آن.

ולכן יצא ממנו משה שהיה כבד פה וכבד לשון דהיינו שלגודל התקשרותו בבחי' בטול ונחנו מה לא היה יכול להיות משפיע כו' שהיא בחי' הדבור כו'

و از همین‌رو موسی (مשה) از او پدید آمد؛ او «دهان‌سنگین و زبان‌سنگین» بود. یعنی چون پیوندش در مرتبهٔ خودنهی‌گری (بیטול, bittul) و «و ما چه هستیم؟» بسیار ژرف بود، نمی‌توانست عطاکننده باشد و جز آن؛ زیرا عطا کردن مرتبهٔ گفتار است و جز آن.

ועיקר ההפרש בין התקשרות دلוי שהוא בחי' בטול ובין הודיה דיהודה שהוא ג"כ בחי' בטול הוא כי יהודה הוא בחי' הבטול בגילוי כענין מודים שכורع ומשתחזה

و تفاوت اصلی میان پیوند لاوی، که مرتبهٔ خودنهی‌گری است، و اقرارِ یهودا (یهודה)، که آن نیز مرتبهٔ خودنهی‌گری است، این است که یهودا مرتبهٔ خودنهی‌گری در حالت آشکار است؛ مانند [دعای] «سپاس می‌گوییم» (מודים, Modim)، که در آن انسان خم می‌شود و سر فرود می‌آورد.

ולכן יצאו ממנו ملכי בית דוד שבטולם הוא בחי' הבטול שבהתגלות וחיצוניות.

و از همین‌رو پادشاهانِ خاندانِ داوود (دוד) از او پدید آمدند؛ خودنهی‌گری آنان خودنهی‌گری‌ای است که در آشکارگی و بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) قرار دارد.

אבל לוי שהוא בחי' ההתקשרות והבטול בפנימיותו ועצמותו הגם שבחיצוניות אינו נגלה כלל וכענין בטול דצבא השמים לך משתחיים שהשתחואה של המלאכים אינו ענין השתחואה גשמיות אלא שמשתחואה ובטל בהשגתו ברוחניות

اما لاوی مرتبة پیوند و خودنهی گری در بُعد درونی (پنیمיות, pnimiyus) و در ذات اوست، هرچند این امر در ظاهر اصلاً آشکار نیست؛ مانند خودنهی گری «سپاه آسمان در برابر تو سجده می کنند»: سجده فرشتگان سجده ای جسمانی نیست، بلکه [هر یک] در دریافت روحانی خود سجده می کند و خود را بی اعتبار می شمارد.

ولכן יצא ממנו משה (ועמ"ש במ"א ההפרש בין משה ואליהו שהוא גם כן עד"ז) ואח"כ ותעמוד מלדת שלא היה יכול להיות בחי' גילוי עוד.

و از همین رو موسی از او پدید آمد (و بنگرید به آنچه در جای دیگری درباره تفاوت میان موسی و الیاهو (الیهو) توضیح داده شده است؛ این تفاوت نیز بر همین اساس است). و پس از آن، «او از زادن بازایستاد»، زیرا دیگر امکان مرتبه ای از آشکارگی وجود نداشت.

(ועמ"ש ע"פ טובה הארץ מאד מאד דענין דור המדבר שהיה מבחי' לאה עולם המחשבה וטענו למחציתם לירד בבחי' עולם הדבור שהוא בחי' מלי' ארץ תתאה לקיים המצות בדבור ובמעשה הלא זה אפשר לקיים גם ע"י התומ"צ [התורה ומצות] ברוחניות דהיינו ע"י המחשבה כו'

(و بنگرید به آنچه درباره «زمین بسیار، بسیار نیکوست» توضیح داده شده است: نسل بیابان از مرتبه لیا، جهان اندیشه، بود؛ و آنان استدلال می کردند: چرا باید به مرتبه جهان گفتار فرود آییم، که مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus)، زمین فروتر است، تا מצות (mitzvos [فرمان های دینی]) را با گفتار و کردار به جا آوریم؟ آیا نمی توان این را از راه تورا و מצوت در بُعد روحانی نیز به جا آورد، یعنی از راه اندیشه و جز آن؟)

אך באמת היו בטעות גדול דע"י דבור ומעשה דוקא נמשך גילוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה ביתר שאת לאין קץ כי נעוץ סופן בתחלתן כו' ומרבע"ה [ומשה רבינו עליו השלום] התפלל תקט"ו תפלות ליכנס לארץ כו'.

اما در حقیقت، آنان سخت در اشتباه بودند؛ زیرا مشخصاً از راه گفتار و کردار است که آشکارگی نور بی پایان (اور אין سוף, Or Ein Sof)، ه' متبارک باد، به گونه ای بی نهایت برتر فروکشیده می شود؛ زیرا «پایانشان در آغازشان جای گرفته است» و جز آن. و موسی ربینو برای ورود به سرزمین ۵۱۵ بار دعا کرد و جز آن.

ועפ"ז [ועל פי זה] יובן עוד ענין ויאהב יעקב את רחל דוקא שהיא בחי' דבור ומעשה כי שנואה לאה ההפך מכוונת דור המדבר.

בר این اساس، مطلب «يعقوب (יעקב) راحيل (רחل) را دوست داشت» نیز روشن تر می شود: راحیل به طور خاص، مرتبه / جنبه (בחינה, bechinah) گفتار و کردار است، و «ליا (لاה) منفور بود»؛ این درست خلاف مقصودِ نسلِ بیابان است.

وامנם צריך ביאור מ"ש לאה הפעם ילזה אישי אלי דוקא דודאי לא עלה על דעתה לאפוקי מבחי' דבור ומעשה.

با این حال، سخن لیا که گفت: «این بار شوهرم به من خواهد پیوست»، به خصوص نیازمند توضیح است؛ زیرا بی تردید به ذهنش نرسیده بود که בחינה گفتار و کردار را کنار بگذارد.

אלא הענין כי באמת צ"ל ב' הבחי' מודו"מ [מחשבה דבור ומעשה] דהא בלא הא לא סגי ועמ"ש במ"א בענין לויתן ושור הבר שהוא ג"כ ענין ב' בחי' הנ"ל לויתן לשון התקשרות בחי' בטול דנוני ימא כמו הפעם ילזה כו'

بلکه مطلب این است که در حقیقت، هر دو בחינה، یعنی اندیشه و گفتار و کردار، باید باشند؛ زیرا یکی بدون دیگری کفایت نمی کند. و بنگرید به آنچه در جای دیگری درباره موضوع لوایتان (לויתן, livyasan) و گاو وحشی شرح داده شده است؛ این نیز ناظر به دو בחינה یادشده است: لوایتان (לויתן, livyasan) اصطلاحی به معنای پیوند است و به בחינה خودنهی گری (بیטول, bittul) ماهیان دریا اشاره دارد، مانند «این بار [شوهرم] به من خواهد پیوست (یلوه, yilaveh)» و غیره.

ולאה רצתה שיהיה העיקר ע"י בחינה זו ע"ד שאמרו בחסידים הראשונים שהיו שוהין ט' שעות בכל יום בתפלה שהוא כענין בטול והתקשרות הנ"ל דמחשבה כו'.

و لیا می خواست که اصل کار از طریق همین בחינה باشد؛ به گونه ای که درباره پارسایان نخستین (חסידים, chassidim) گفته اند که هر روز نه ساعت را به دعا می گذراندند؛ این همانند خودنهی گری و پیوند اندیشه است که پیش تر یاد شد، و غیره.

ואימתי תורתן נעשית אלא מתוך שחסידים הן כו' הרי רוב עסקם היה עד"ז (ومבואר ענין זה לקמן בד"ה ששים המה מלכות כו' אחת היא יונתי כו')

«پس چه هنگام به توراتشان [مطالعه] می پرداختند؟ بلکه چون پارسایند»، و غیره؛ بنابراین بیشتر اشتغالشان از این دست بود. (و این مطلب در ادامه، در گفتاری که با «شصت ملکه اند...» و «کبوتر من یکی است...» آغاز می شود، شرح داده شده است.)

ואמנם יעקב ידע שזה אי אפשר רק לבני עלייה שהן מועטים אבל כל ישראל עיקר רוב העסק הוא ע"י דבור ומעשה

בاین‌حال، یعقوب می‌داند که این راه فقط برای خواص (בני עלייה, bnei aliyah)، که شمارشان اندک است، امکان‌پذیر است؛ اما برای همهٔ اسرائیل، بخش اصلی اشتغال از طریق گفتار و کردار است.

ולכן היה באהל רחל עיקר קביעותו שהוא בחי' דומ"ע [דבור ומעשה] ומ"מ צ"ל ג"כ מחשבה שמזה נמשך ראייה ושמיעה לאסתכלא ביקרא דמלכא כו'

ازاین‌رو، اقامتگاه اصلی او در خیمهٔ راحیل بود، که בחינהٔ گفتار و کردار است. باین‌همه، اندیشه نیز باید باشد؛ زیرا از آن دیدن و شنیدن سرچشمه می‌گیرد، «تا در شکوهٔ پادشاه بنگرد» و غیره.

וכל האומר אין לי אלא תורה כו' אלא צ"ל רוי"ש [רצוא ושוב] רק כי אז נעוץ סופן כו':

و «هر کس بگوید: من فقط تورات دارم»، و غیره. بلکه دیدن و شنیدن نیز باید باشد؛ باین‌حال، آنگاه «پایانشان در آغازشان نهاده شده است»، و غیره.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/3](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/3) از

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک